

کرامت انسانی در اعلامیه حقوق بشر و اسلام با تکیه بر اندیشه و اشعار عرفانی امام خمینی (ره)

سید جعفر حسینی^۱

رحیم وکیل زاده^۲

حسن موثقی^۳

چکیده

کرامت انسان مفهومی ژرف و قدیمی در تفکر انسانی و اسلامی دارد. کرامت امتیازی است که به انسان، به واسطه انسان بودنش، از همان بدو تولد و بدون توجه به دین، فرهنگ، زبان، نژاد، ملیت، مقام، خویشاوندی و قومیت و... اختصاص می‌یابد. درحقیقت کرامت ذاتی انسان باعث شده تا افراد اجازه یابند از کرامت، آزادی و قابلیت‌های خود برای پی ریزی نوآوری در عرصه‌های مختلف جامعه بهره گیرند. پروردگار عالمیان در قرآن کریم می‌فرماید: «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم...». در این آیه و آیات و روایات بسیار دیگری بر کرامت ذاتی انسان‌ها تأکید شده است. مبنای حقوق انسان‌ها در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، کرامت ذاتی آن‌ها می‌باشد. نوع دیگر کرامت انسانی، اکتسابی بوده و در رابطه انسان با خداوند تعریف شدنی است «همانا گرامی‌ترین شما نزد پروردگارتان، با تقواترین شماست.» در این راستا نوع بشر می‌تواند با پیمودن راه تقوا به کرامت اکتسابی نیز دست یابد. در این نوشتار سعی شده است کرامت انسانی از دیدگاه غرب و اسلام با تکیه بر اندیشه و اشعار امام خمینی (ره) مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها:

کرامت انسانی، حقوق بشر، اسلام، شعر عرفانی، امام خمینی (ره)

^۱ - دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ - گروه فقه و مبانی حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران * (نویسنده مسؤول)

^۳ - گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۰۲

تاریخ وصول: ۹۵/۱۰/۱۹

مقدمه

در جهان کنونی کرامت انسانی به عنوان مبنای آرمانی حقوق بشر، مطلوب اولاد آدم واقع شده است. با توجه به اهمیت این مسأله در بعد تربیتی و اخلاقی انسان، این سؤال مطرح می‌شود که اولاً از نظر حقوق بین الملل، اسلام و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) کرامت انسانی چه معنایی دارد و شرایط و طرق کسب آن کدامند؟ ثانیاً موانع کسب کرامت چیست تا با آن موانع مقابله شود؟ پاسخ به این سؤالات به تبیین دقیق‌تر موضوع انسان شناسی در دو تمدن غرب و اسلام به ویژه در بعد تربیتی - اخلاقی می‌انجامد. ما در این نوشتار، ابتدا مفاهیم و بعد مستندات کرامت انسانی را بررسی کرده و سپس تلاش می‌کنیم به اندیشه و اشعار عرفانی امام خمینی (ره) در این زمینه بپردازیم.

۱- معنای کرامت (Dignity)

۱-۱ - کرامت در لغت

کرامت در لغت به معنای بخشندگی و دهش و بزرگی است (معین، ۱۳۸۷: ۸۴۰) و در لغت نامه دهخدا آمده است که کرامت از مصدر «کرم» واژه‌ای عربی و به معنای بزرگی و ورزیدن، جوانمرد گردیدن، با مروّت شدن و عزیز شدن است.

۱-۲ - کرامت در اصطلاح

کرامت در اصطلاح امری است خارق العاده که به واسطه تقرّب در پیشگاه خداوند و لطافت روح و صفای باطن از انسان صادر می‌شود ولی نه برای اثبات حقّ یا تحدی و هدف اصلی از ارائه آن این نیست اگر چه ممکن است حقّی با آن اتفاقاً ثابت شود.

در کتاب مفردات در خصوص واژه «کرم» آمده است: «هرگاه خدای تعالی با این واژه وصف شود، اسمی است برای احسان و نعمت بخشیدن ظاهر و روشن او و هرگاه انسان با این واژه وصف شود، اسمی است برای اخلاق و افعال پسندیده‌ای که از انسان ظاهر می‌شود و واژه کریم تا وقتی که آن اخلاق و رفتار ظاهر نشود، گفته نمی‌شود.» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۴: ۴۲۸)

۲- حقوق بشر و کرامت انسانی

اصطلاح کرامت انسان، ارزش فطری یا شایستگی یک انسان است که با ماهیت انسانی وجود یافته و به عنوان مبنای فلسفی قانونی تمامی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. این کرامت انسانی به وسیله تدوین استانداردهای حقوق بشر بین المللی که محدودیت هایی را در اقدامات دولت ها در نقض کرامت انسان به وجود می آورند، حفظ و ارتقاء یافته است. از این روی حقوق بشر، کرامت انسان را مورد حمایت قرار می دهد. هر انسان دارای این کرامت است و چنین کرامتی ذاتی (Inherent) و غیرقابل تجزیه و سلب است. اغلب کرامت ذاتی به عنوان مبنای حقوق بشر مطرح می باشد. (Victor Conde, 2002, p. 109)

اصل کرامت ذاتی انسان، نگاه ابزاری به انسان را به شدت نهي می کند و به دلیل برابری ذاتی ارزشی انسان ها، به وجود ارزش و اعتبار در تمامی انسان ها تکیه دارد.

۱-۲- کرامت ذاتی انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر

پژوهش های تاریخی نشان می دهد که باور به برخی از حقوق فطری و طبیعی برای بشر، از گذشته های بسیار دور وجود داشته است. شاید بتوان گفت از هنگامی که قدرتمندان، خودسری پیشه کردند و بر ضعیفان جامعه ظلم روا داشتند، اندیشه حقوق بشر برای مقابله با ستم و بی عدالتی شکل گرفت و هدف آن تأمین حداقل حقوق برای افراد جامعه بود؛ به عبارت دیگر از همین نقطه بود که حقوق بنیادین انسانی همچون حق حیات، حق کرامت، حق آموزش و پرورش، حق آزادی مسئولانه و حق برابری در برابر حقوق و قوانین پدید آمد تا نظم و آرامش را برای جامعه انسانی به ارمغان آورده، حیات مطلوب انسانی را تأمین کند. (نظری، ۱۳۸۲: ۱۰۲)

در مقدمه منشور ملل متحد (مصوب ۱۲ آوریل ۱۹۴۵ میلادی) انسان به لحاظ نظری، بنیان گذار جامعه بین الملل لقب گرفت و مقدمه منشور با نام «ملل متحد» گشوده شد و از ایمان آنان به حقوق اساسی بشر، کرامت و شأن انسان و تساوی حقوق مرد و زن و همچنین همه ملت ها، اعم از کوچک و بزرگ، سخن به میان آمد. (نوبهار، ۱۳۸۲: ۶۱۳)

درحقیقت «کرامت انسانی» که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد نظر بوده، عبارت است از ملاحظه انسان از آن حیث که انسان است و انسان از این حیث، عزیز، شریف و ارجمند است. کرامت انسانی به عنوان «ارزش برتر» برای توجیه حقوق بشر توصیف شده است. این عنصر امکان مشارکت وسیع تر همه ارزش‌ها و ترجیح متقاعد سازی را به جای اجبار فراهم می‌سازد. (Lasswell, 1980: 376-377)

در این زمینه وفاق عمومی حاصل است که انسان از موهبت ارزش و کرامت ذاتی برخوردار است. این تنها مفهوم دستوری و هنجاری است که تقریباً هر حق قابل تصور برای انسان می‌تواند از آن کسب توجیه کند و خود می‌تواند در تفکرات مذهبی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی مقبولیت یابد و حتی مورد تأکید دولت مردان واقع شود. این مفهوم، مبنایی قوی و محکم برای حقوق بشر و شاید طبق نظر شستاک، «جذاب ترین رویکردهای نظری» را فراهم می‌آورد. امروزه بسیاری از اسناد بین المللی و منطقه‌ای، کرامت ذاتی انسان را به عنوان توجیه اساسی برای حقوق بشر و آرمانی در برابر رفتار موهن و سوء استفاده آمیز با افراد بشر مورد استناد قرار می‌دهند. از این رو، رونالد دورکین مدعی شده است که «هرکس ادعا می‌کند حقوق بشر را جدی می‌گیرد باید دست کم اندیشه هر چند مبهم، اما قدرتمند کرامت انسانی را بپذیرد.» (بادرین، ۱۳۸۲: ۲۲۷)

برخی اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر که در اسلام نیز جهت حفظ کرامت انسانی بر آن‌ها تأکید شده است، عبارتند از: حق حیات؛ در ماده ۳ اعلامیه، آزادی فطری افراد بشر و مبارزه با بردگی؛ مواد ۱، ۳ و ۴، لغو شکنجه و رفتار برخلاف شئون بشری؛ در ماده ۵، لغو تبعیض؛ مواد ۷ و ۲، حق دادخواهی و رسیدگی به اتهام در دادگاه صالح؛ مواد ۸، ۹ و ۱۰، اصل برائت؛ بند اول ماده ۱۱، اصل قانونی بودن جرم و مجازات؛ بند ۲ ماده ۱۱، رعایت حریم خصوصی افراد؛ ماده ۱۲، آزادی انتخاب و ترک اقامت‌گاه؛ مواد ۱۳ و ۱۴، حق تابعیت و تغییر آن؛ ماده ۱۵، آزادی شرکت در مجامع و اتحادیه‌ها؛ ماده ۲۰ اعلامیه و همچنین بند ۴ ماده ۳۲، حق شرکت در اداره امور سیاسی کشور؛ بند اول ماده ۲۱، حق امنیت شخصی و اجتماعی؛ مواد ۳ و ۲۲، حمایت از شرافت و اعتبار افراد؛ ماده ۱۲، آزادی ابراز و تغییر عقیده؛ مواد ۱۸ و ۱۹ (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۵)

در دو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶ میلادی) نیز حیثیت ذاتی انسان مبنای سایر حقوق دانسته شده است. (حقیقت پور، ۱۳۹۳: ۳۴)

۲-۲- مقایسه حقوق بشر از دیدگاه امام خمینی (ره) و اعلامیه جهانی حقوق بشر

حضرت امام (ره) به عنوان یک فقیه جامع الشرائط آشنا به امور زمان و روشنفکر، با شناخت دقیق از جهان پیرامون خود و با الهام از آموزه های دین مبین اسلام توانست نظامی را بنیانگذاری نماید که اصل و دغدغه آن همانا حقوق بشر بوده است البته نه حقوق بشر انسان محور بلکه حقوق بشر خدا محور، حقوقی که تضمین اجرای آن نه تنها وابسته به فرد نیست بلکه قادر است فارغ از تفکرات گوناگون بشری به صورت بسیار گسترده پیاده سازی گردد. نظریات عالمانه و حکیمانه امام خمینی (ره) در خصوص ابعاد مختلف حقوق بشر از جمله: حق آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی شرکت در انتخابات عمومی، آزادی احزاب سیاسی، تساوی عمومی در برابر قوانین، حقوق اقلیت های دینی، حقوق زنان، حقوق کودکان، و همچنین شیوه های ضمانت اجرای نظام حقوق بشر و آزادی های عمومی آن به صورت کامل در آثار مختلف ایشان اعم از فلسفی، اخلاقی، فقهی، سیاسی و عرفانی، فراوان بکار برده شده اند. در ادامه به تطبیق چند اصل مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر با اندیشه امام خمینی (ره) می پردازیم.

۲-۲-۱- آزادی

ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید: «تمام ابنای بشر آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند. عقلانیت و وجدان به آنها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر عادلانه و برادرانه رفتار کنند.» (موحد، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

در اندیشه والای امام خمینی (ره) که منبعث از احکام عمیق و نورانی دین مبین اسلام است، آزادی جایگاه خاصی دارد. با بررسی دیدگاه آن حضرت در این خصوص مشخص می گردد که آزادی مد نظر ایشان، کمّاً و کیفاً بسیار گسترده تر، جامع تر و فراتر از آزادی در

اعلامیه جهانی حقوق بشر می باشد. به عقیده ایشان آزادی، حقّ اولیّه بشر است که در همان آغاز خلقت به او عطا شده است. آزادی موهبت الهی، هدیه آسمانی و امانت الهی است که به انسان داده شده است؛ بنابر این آن امتیاز به حساب نمی آید تا دولتی آن را اعطا و یا احیاناً پس بگیرد. آن حضرت در تعریف از آزادی؛ می گوید: « آزادی یک مسأله ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده شان آزاد است. کسی الزامشان نمی کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی کند که باید این را انتخاب کنی. کسی الزامتان نمی کند که در کجا مسکن داشته باشی، یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی، آزادی یک چیز واضحی است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۹۴)

با این وجود، امام خمینی (ره) معتقد بودند که آزادی در اسلام دارای حدّ و مرزی است. ایشان در این زمینه می فرمایند: «یک ملّتی حقّ دارد که کسی که بخواهد ملّتش را به تباهی بکشد و توطئه کند و باز همان مسائل سابق را برای او پیش بیاورد، از آن جلوگیری بکند. و الاّ ملت ما طرفدار آزادی است. طرفدار همه جور آزادی است و لکن طرفدار توطئه نیست. طرفدار تباهی نیست.» (امام خمینی، همان، ج ۱۳۱: ۱۱)

۲-۲-۲- حقوق اقلّیت ها

در ماده دو اعلامیه آمده است: «هرکس، بی هیچ گونه تمایزی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقاید سیاسی یا غیر سیاسی، اصل و منشأ ملّی یا اجتماعی، ثروت، ولایت یا هر موقعیت دیگر، از کلیه حقوق و آزادی های مذکور در این اعلامیه برخوردار خواهد.» (موحد، ۱۳۸۲: ۱۱۸)

اندیشه امام خمینی (ره) در خصوص اقلّیت های مذهبی کاملاً موافق ماده دو اعلامیه حقوق بشر می باشد. ایشان در این زمینه ضمن تأکید بر حفظ امنیت، اموال، آبرو و ناموس یهودیان، می فرمایند: « به این یهودی ها که در ایران هستند، کسی حقّ ندارد تعرض بکند؛ این ها در پناه اسلام و مسلمین هستند. نه به یهودی ها و نه به نصارا. این هایی که مذهب رسمی دارند، حقّ ندارند (تعرضی) بکنند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۵۱) ایشان در جایی دیگر می گویند:

«اقلیت‌ها با سایر افراد ایران در همه چیز مشترک و حقوق شان به حسب قوانین داده می‌شود و در حکومت اسلامی آنها در رفاه و آسایش و آزادی هستند.» (امام خمینی، همان، ج ۱۱: ۲۹۰)

بر اساس آنچه گفته شد و نیز مطالعه آثار دیگر حضرت امام (ره) مشخص می‌گردد که موضوع حقوق بشر در اندیشه والای ایشان از جایگاه خیلی رفیعی برخوردار بوده و هر حرکتی در جهت آن از سوی حتی افرادی غیر دینمدار هم مورد تأیید آن حضرت می‌باشد. لذا از نظر اصولی با اعلامیه جهانی حقوق بشر موافق و آن را یک گام مهم در جهت اصلاح رفتار دولتمردان می‌داند اما دو تحفظ هم داشتند: یکی آنکه ممکن است برخی مفاد آن با برخی احکام شرعی مطابقت نداشته باشد و دیگر آنکه تمسک ابرقدرت‌ها به حقوق بشر را صرفاً برای مشروعیت دادن به دخالت‌های آنها در امور داخلی کشورهای اسلامی و نیز کشورهای ضعیف می‌دانستند و معتقد بودند حقوق بشر برای آنها به صورت جدی موضوعیت ندارد و فقط یک دستاویز است.

امام خمینی (ره) ضمن داشتن نظر مثبت به اصل اعلامیه جهانی حقوق بشر، دولت‌هایی را که این اعلامیه را امضاء کرده ولی به مفاد آن پایبند نیستند، به شدت مورد انتقاد قرار داده و در این زمینه می‌فرمایند: «همه بدبختی‌هایی که داشتیم و داریم از این سران کشورهای است که این اعلامیه حقوق بشر را امضاء کرده‌اند. اعلامیه حقوق بشر را این‌هایی امضاء کرده‌اند که سلب آزادی بشر را در همه دوره‌هایی که کفیل بودند و دستشان به یک چیزی رسیده است، کرده‌اند. سرلوحه اعلامیه آزادی حقوق بشر، آزادی افراد است. هر فردی از افراد بشر آزاد است، باید آزاد باشد. همه باید در مقابل قانون علی السواء باشند. همه باید آزاد باشند در محل‌شان؛ در سکنی آزاد باشند، در شغل‌شان آزاد باشند، در مشی‌شان باید آزاد باشند. این اعلامیه حقوق بشر است که سرلوحه‌اش این مطلب است. از اوّل مسلمین بلکه همه بشر، از اوّل گرفتار این‌هایی بوده‌اند که امضاء کردند و تصویب کردند این اعلامیه حقوق بشر را. امریکا یکی از آنهاست که تصویب کردند این را و امضاء کردند این مطلب را که حقوق بشر باید محفوظ بماند. یکی از حقوق بشر آزادی است. همین امریکایی که اعلامیه حقوق بشر را امضاء کرده است، شما ببینید چه جنایاتی بر این بشر واقع کرده است. در همین چند سالی که ماها یادمان است، چه رفتاری‌هایی از برای

بشر هست به دست امریکا که یکی از دولت هایی است که قضیه حقوق بشر را امضا کرده اند.
(امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۳۲)

۳- مفهوم کرامت انسان در اسلام و آثار و اشعار عرفانی امام خمینی (ره)

در دین مبین اسلام کرامت به دو معنای اعم و اخص بکار می رود. کرامت به معنای اعم، همان کرامت ذاتی یا حرمت است و در معنای اخص نیز همان کرامت اکتسابی یا الهی است. کرامت ذاتی انسان عمومیت دارد و ناشی از فیض رحمانی خداوند است اما کرامت الهی او همان فیض رحیمی پروردگار است. آنکه کرامت الهی دارد لزوماً دارای کرامت انسانی نیز هست اما آنکه کرامت انسانی برایش در نظر گرفته می شود لزوماً نمی توان گفت که دارای کرامت الهی است. (حقیقت پور، همان: ۵۴)

۳-۱- کرامت ذاتی

کرامت ذاتی منزلتی عمومی است و تابع صدق مفهوم انسانیت است. هرکجا انسانیت باشد کرامت ذاتی هم خواهد بود. این نوع کرامت ناشی از انسانیت فرد است، یعنی؛ هر بنی آدمی از آن بهره مند است. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان ها، مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت برخویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند. (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹)

اسلام بین اقشار ملت ها هیچ تفاوتی قائل نشده است و برای تمام افراد بشر، حق بشری قائل است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» (سوره اسراء، آیه ۷۰) «ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن ها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم.»

خداوند به همه انسان ها این کرامت نفسانی را داده است، یعنی؛ انسان را با کیفیت برتر و ویژگی ممتازتری نسبت به موجودات دیگر خلق کرده است. انسانی که کریم خلق شده است، شایستگی به دست آوردن کرامت بیشتر را نیز دارد. (عفتی، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۵) کرامت انسانی در اندیشه حضرت امام (ره) از جایگاه رفیعی برخوردار است. ایشان در خصوص کرامت ذاتی انسان

می‌فرمایند: «انسان دارای یک عقل بالامکان مجرد و بعد هم مجرد تام خواهد شد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۸۸) ایشان همچنین می‌فرمایند: «انسان به حسب فطرت، الهی است.» (امام خمینی، همان، ج ۵: ۴۰۹) حضرت امام (ره) درجایی دیگر می‌فرمایند: «در میان همه موجوداتی که در این طبیعت موجود هستند، انسان اختصاصاتی دارد که سایر موجودات ندارند. یک مرتبه باطن، یک مرتبه عقلیت، یک مرتبه بالاتر از عقل، در انسان بالقوه است. از اول در سرشت انسان هست که این انسان از عالم طبیعت سیر بکند برسد به آنجایی که وهم ماها نمی‌تواند برسد و همه این‌ها محتاج تربیت است.» (امام خمینی، همان، ج ۴: ۱۷۵)

گل نیست بلکه غنچه باغ سعادت است	کز جان دوست بردل آگاه می‌رسد
آن روی با طراوت و آن موی عطرگین	از خیمه گه گذشته به خرگاه می‌رسد
از خطه حقیقت و از خیمه مجاز	برخاسته به خلوت دلخواه می‌رسد
آن نغمه فرشته فردوس جاودان	برگوش جان می‌زده گهگاه می‌رسد

(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸۵)

۲-۳- کرامت اکتسابی

کرامت اکتسابی و ارزشی کرامتی است که انسان با تحصیل عقاید، اخلاق و کردار پسندیده خود، آن را بدست می‌آورد. علامه جعفری، می‌گوید: «کرامت ارزشی از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است. ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است.» (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹) در اسلام در بین انسان‌ها کسی دارای کرامت و احترام بیشتری است که تقوای بیشتری داشته باشد: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَكُم» (سوره حجرات، آیه ۱۳) «بهترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.»

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «انسان محدود نیست؛ یعنی انسان در طرف سعادت و در طرف فضیلت غیر محدود است؛ یعنی می‌رسد تا آنجا که تمام صفاتش الهی شود؛

یعنی نظر می کند نظر الهی ... و در طرف نقض و شقاوت هم غیر محدود است. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۶۸)

از دیدگاه اسلام، انسان مقام و ارزش والایی دارد و خداوند، سروری موجودات زمین و آسمان را برای او فراهم کرده است. روح خود را در آدم دمیده و او را شایسته تکریم و تعظیم گردانیده است که حتی فرشتگان به سجده کردن بر او مأمور شده اند. انسان، خلیفه الله است. کرامت برای انسانها دارای مراتبی است که مرتبه اعلای آن مثل نبوت، ولایت و شهادت است که یک صفت نفسانی است و لازمه آن افاضه اش از خداوند به انسان است، باید خداوند آن را به انسان عطا کند. شهادت و نبوت کرامت الهی هستند که به هر کسی بخشیده نمی شود، انسان باید خود را به مرحله ای برساند که توان کسب این کرامات الهی را به دست آورد تا خداوند این فیض الهی را نصیبش بکند.

جز عکس نمود او نباشد هرگز

جز فیض وجود او نباشد هرگز

بودی جز بود او نباشد هرگز

مرگ است اگر هستی دیگر بینی

(امام خمینی، همان: ۲۱۷)

برای رسیدن به هر مقداری از کرامت در مراحل پایین نیاز به تلاش است، و هر کس به اندازه تلاش و کوشش خود نتیجه می گیرد.

۴- سرچشمه کرامت انسانی

از دیدگاه قرآن کریم سر برتری و منشأ کرامت انسان نفخه روح الهی در او است که وی را مسجود ملائکه الله قرار داد؛ چنان که می فرماید: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۷۱-۷۲) «به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت که من آفریننده بشری از گل هستم. پس آن گاه که او را نظام بخشیدم و از روح خود در او دمیدم، برای او به سجده بیفتید.» درباره این خلقت، خداوند به خودش تبریک گفت، «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (سوره مؤمنون، آیه ۱۴)

و در این خلقت خود را بهترین خالق ناامید و این موجود برتر را برای جانشینی خود در روی زمین قرار داد، «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (سوره بقره، آیه ۳۰) و انسان برای رسیدن به این خلافت الهی تلاش می کند.

امام خمینی (ره) به عنوان مصداق انسان متعالی، به بالاترین حد متوجه این کرامت انسانی بود. ایشان نظر حقارت آمیز به بندگان خدا و ناچیز شمردن مردم را، از مظاهر عجب و باعث هلاکت انسان می دانست. امام همه موجودات به ویژه انسانها را شایسته نظر رحمت و محبت می دانست؛ زیرا آنها مورد رحمت پروردگار عالمیان هستند و فقدان چنین بینشی را مایه نقص و نشانه کوتاه بینی و کوتاه نظری می دانست.

ای پرروی که گلبزرگ ترت ساخته اند
 زچه رو قلب ز خارا بترت ساخته اند!
 پسر خاک بدین حسن و لطافت؟ عجب است!
 ز بهشتی، نه ز خاک پدرت ساخته اند
 ثمرخوب رخی بوسه شیرین باشد
 آخر ای سرو! برای ثمرت ساخته اند
 (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۰۳)

خدای سبحان به صراحت اعلام فرموده است که همه انسانهای این کره خاکی را که از نسل آدم ابوالبشرند، کرامت ذاتی بخشیده است و خشکی و دریا را در اختیار همه آدمیان قرار داده تا رزقی پاکیزه از آن به کف آرند و خمیرمایه حیات خویش قرار دهند و همچنین انسانها علاوه بر آن که به داشتن ویژگیهای ذاتی مانند: روح الهی و عقل، مکرم هستند می توانند به واسطه علم و ایمان و سایر کمالاتی که می توان در پرتو عقل و ایمان کسب کرد بر بسیاری از موجودات برتری و فضیلت حقیقی پیدا کنند.

از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، مرکب از روح و جسم، دارای فطرتی خدا آشنا، مستقل، امانت دار خدا و مسؤول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و آسمان و زمین، آشنا به خیر و شر، کمال پذیر، سیر کننده به سوی خدا، دارای ظرفیت علمی و عملی نامحدود، برخوردار از شرافت و کرامت، شایسته بهره مندی از نعمت های خداوندی و مسؤول در برابر خداوند خویش. (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۵۲-۲۴۷)

رازى است درون آستينم	رمزى است برون ز عقل و دينم
در زمرة عاشقان سرمست	بى قيد ز عار صلح و كينم
در جرگه طير آسمانم	در حلقه نمـله زمينم
دلباخته جمال يارم	وارسته ز روضه برينم
در غمزه چشم گل عذاران	بيزار ز ناز حور عينم
گويم به زبان بى زبانى	در جمع بتان نازنيم
اى نقطه عطف راز هستى	برگير ز دوست جام مستى

(امام خمينى، ۱۳۷۸: ۲۸۷)

انسانی که خدا او را کریم خلق شده است، شایستگی به دست آوردن کرامت بیشتر را هم دارد، « ... وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا » (سوره اسراء، آیه ۷۰) « و ما انسان را بر بسیاری از مخلوقات و آفریده های همه جهان خلقت برتری دادیم.»

گر بر سرکوی دوست راهی دارم
در سایه لطف او پناهی دارم

(امام خمينى، ۱۳۷۸: ۲۲۱)

راه کسب این کرامات الهی علم و عمل صالحی است که معلمش خداوند کریم باشد، که در قرآن فرمود: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (سوره الرحمن، آیات ۴ و ۳) خداوند کریم انسان را خلق کرد و به او نعمت بیان داد و به وسیله نعمت بیان انسان را بر موجودات عالم برتری داد، این نعمت بیانی که خداوند در زمان آفرینش به انسان داده است، همان استعداد و ویژگی فطری انسان است که در درون انسان قرار داده شده است تا انسان سخن بگوید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۷۸) و ناطق باشد « إقرأ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم » (سوره علق، آیات ۵-۳) پروردگار کریمت را بخوان که علمی را بوسیله قلم به شما داد که انسان بدون عنایات الهی به آن علوم نمی رسد.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «خداوند در این آیه علم و جهت آن را توصیه فرمود، علم مطلق و دانش مطلق، مطلوب نیست؛ چه بسا دانشی که بر ضد انسانیّت انسان و بر ضد کرامت انسان است، لکن دانشی که جهت داشته باشد، برای خدمت به بشر باشد، به اسم ربّ باشد، توجّه به ربوبیت الهی داشته باشد، توجّه به اسم خدا داشته باشد، آن قرائت و آن علم در خدمت انسان است و موجب کرامت و شرافت انسان است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۴۴۸)

تا آنچه که در جمع کتب نیست بجویم	بردار کتاب از برم و جام می آور
تا بار دهد یار به پیچ و خم مویم	از پیچ و خم علم و خرد رخت بیندم
(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶۸)	

علمی که موجب شرافت و کرامت انسان می‌شود را خداوند کریم در روز خلقت انسان و در حضور ملائک، به انسان تعلیم داد «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ» (سوره بقره، آیه ۳۱) خداوند همه اسم‌ها را به حضرت آدم (ع) تعلیم داد و همه آن علوم را بر ملائکه عرضه کرد.

تا دیدگهت کتاب عرفان باشد	تا تکیه گهت عصای برهان باشد
قلب تو دگرگون و پریشان باشد	در هجر مجال دوست تا آخر عمر
(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰۷)	

۵- موانع کسب کرامت

از جمله موانع کسب کرامت، نافرمانی و دنیا طلبی است که ذیلاً به توضیح مختصر آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۵ نافرمانی:

نخستین سدّ در راه کسب کرامت انسانی نافرمانی و طغیان در مقابل پروردگار متعال است. اطاعت اولین شرط بندگی خداوند است. انسان تا خود را محتاج خدا نداند و به عنوان عبد مطلق

احساس نکند، صلاحیت کسب کرامت الهی را ندارد. خالق سبحان کسی را کریم می داند، که در آن شخص خوی نافرمانی نباشد و این نخستین مانعی است که باید برداشته شود.

تا کوس انا الحق بزنی خودخواهی در سر هویتش تو ناآگاهی
بردار حجاب خویش از سر راه با بودن آن هنوز اندر راهی
(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۴۸)

شرط کسب کرامت انسانی در اطاعت خداست. باید به انسان آموخت که جز در برابر حق تعالی سر تعظیم فرو نیاورد و به غیر از او دیگری را بندگی نکند تا گوهر کرامتش صدمه نبیند و به رشد و کمال خود برسد. انسان باید نخست از قید و بندهای دنیوی رها شود تا در مسیر کسب کرامات الهی گام بردارد.

آنکه سر در کوی او نگذاشته آزاده نیست آنکه جان نفکنده در درگاه او دل داده نیست
راه و رسم عشق بیرون از حساب ما و تو است آنکه هوشیار است و بیدار است مست باده نیست
سر نهادن بر در او پا به سر بنهادن است هر که خود را هست، داند پا به سر بنهادن نیست
خرقه درویش همچون تاج شاهنشاهی است تا جدار و خرقة دار از رنگ و بو افتاده نیست
تا اسیر رنگ و بویی، بوی دلبر نشوی هر که این اغلال در جاننش بود آماده نیست
(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵۹)

۲-۵- دنیا طلبی:

دنیا از ریشه «دنی» گرفته شده است به معنای پستی و نزدیک بودن که در مقابل کرامت قرار دارد، در روایات مختلفی حب دنیا سرمنشأ تمامی خطاها معرفی شده است «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۲۰) «عشق به دنیا ریشه هر گناه است.» امام خمینی (ره) نیز حب دنیا را مانع سعادت و کرامت انسان می داند. ایشان در این رابطه حب دنیا را از بزرگ ترین حجاب ها بین انسان و معارف قرآن دانسته که اگر قلب تمام اهتمام خود را به آن اختصاص دهد، کاملاً متوجه دنیا گردیده و از یاد خدا غافل شود. هر چه این محبت به دنیا در

قلب بیشتر شود، حجاب قلب نیز بیشتر می شود. محبت زیاد به دنیا حتی ممکن است به جایی برسد که به طور کلی نور فطرت الهی در نهاد بشر خاموش گردیده و راه سعادت به طور کلی بر روی انسان بسته شود. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۰۲-۲۰۱)

در مورد دنیا تعابیر گوناگونی ارائه شده است. قرآن کریم گاهی دنیا را مورد مذمت قرار داده و گاهی از دنیا به نیکی یاد کرده است. با مطالعه آیات قرآن کریم به این نکته دست پیدا می کنیم که دنیا به خودی خود، از جهت انتساب به حضرت حق، سراسر حق است و باطل و پستی در آن راه ندارد، بنابراین مذموم نیست؛ دنیای لهو و لعب، دنیای تفاخر و تکاثر مذموم است. «اعلموا أنّما الحیاة الدنیا لعبٌ ولهوٌ وزینةٌ وتفاخرٌ بینکم و تکاثرٌ فی الأموال والأولاد» (سوره حدید، آیه ۲۰) دنیای اشتغال به کارهای سرگرم کننده و بازیهای کودکانه، زینت آرایبی و خودنمایی، تفاخر و جاه طلبی، فخر فروشی و فزون طلبی، زیاده خواهی و حریص بودن در اموال و اولاد که کار زمان پیری و کهنسالی و حکایت از تکاثر طلبی انسان دارد، مذموم است. بنابراین انسان کرامت طلب باید با الطاف الهی از این قید و بندهای باطل و امور زائل شدنی رهایی یابد تا به واقعیات متصل شده و به محبوب واقعی برسد.

الا یا ایها الساقی ز می پرساز جامم را	که از جانم فرو ریزد هوای ننگ و نامم را
از آن می ریز در جامم که جانم را فنا سازد	برون سازد ز هستی، هسته نیرنگ و دمام را
از آن می ده که جانم را ز قید خود رها سازد	بخود گیرد زمامم را فرو ریزد مقامم را

(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۰)

دنیا از جهت انتساب به بشر، متناسب با نگرش و استفاده انسان گاهی ممدوح (دنیاداری) و گاهی مذموم (دنیاگرایی) است. دقت کافی به کلام الهی و احادیث معصومین (ع) این مطلب را اثبات می نماید که متن نظام هستی و حقیقت دنیا مذموم نیست، بلکه مراد از آن همه مذمت ها، ناظر به نوع نگرش منفی به دنیاست نه اینکه دنیا از جهت دنیا بودنش، مذموم شارع بوده باشد؛ زیرا در بسیاری از روایات آمده که: «دنیا مصلائی ملائکه و محلّ تردّد فرشتگان؛ معبد دوستان خدا؛ توشه بینایان و دارالبلاغ می باشد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵: حکمت ۱۳۱) خداوند تبارک و

تعالی می فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ» (سوره انبیاء، آیه ۱۶) «ما آسمان و زمین و آن چه را در بین آنها است بیهوده خلق نکرده ایم.»

این سرا بار افکن می خوردگان راه یاراست	با پریشان حالی و مستی و بیهوشی قرین است
از جهان هستی و ملک جهان بینی برون است	با گروه نیستی جویان عاشق، همنشین است
مسکن سوداگران روی یار گلعداز است	مرکز دلدادگان آن نگار مه جبین است

(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶۰)

زمین و آسمان‌ها و آنچه در آنهاست مظاهر الهی و حقایق هستی‌اند نه بازیچه. پروردگار عالم این‌ها را برای تکامل انسان و رسیدن او به حقیقت و کمالات و کرامات انسانی آفریده است.

۶- راه کسب مقام کرامت

بنی آدم وقتی که از هوان و حقارت برائت جست و از دنائت دنیا رهایی یافت، در واقع به صفت سلبی کرامت نائل آمده است، باید برای کسب صفت ایجابی کرامت تلاش بکند، بهترین و تنها ترین راه و عامل کسب کرامات الهی، آموختن از خداوند کریم است «فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» (سوره نمل، آیه ۴۰) «پروردگارم بی‌نیاز و بخشنده است»، باید به کمک ائمه معصومین (ع) که مظهر کرامت و منشا تسبیح الهی هستند؛ فقط به درگاه الهی تقرب جست و از خداوند کریم تقاضای کرم نمود چون او علی‌اعلی است. « وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ » (سوره یس، آیه ۲۷) «خداوندا! ما را جزء آنهایی قرار ده که به آنها کرم نموده‌ای». وقتی از خداوند کریم، کرم را بخواهیم، او کریمانه و بدون هیچ چشم‌داشتی، کرامت را همراه با عزت عطا می‌کند.

برخاست ز عاشقی صفیری	می خواست ز دوست دستگیری
او را به شرابخانه آورد	تا توبه کند به دست پیری
از عشق دگر سخن نگوید	تا زنده کند دلش فقیری
ای نقطه عطف راز هستی	برگیر ز دوست جام مستی

(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۸۸)

پروردگار عالمیان برای رساندن انسان‌ها به نقطه‌ای که از آن‌ها انتظار دارد، قرآن کریم این کتاب کرامت را توسط ملائکه مکرم بر قلب نازنین پیامبر رحمت (ص) نازل کرد تا هر کس که می‌خواهد به کمالات و کرامات الهی دست یابد به وسیله آن به سمت خداوند کریم ره بییماید.

قطره باده ز جام کرم نوشیدم جانم از موج غمت همقدم دریا شد
مژده وصل به رندان خرابات رسید ناگهان غلغله و رقص و طرب برپا شد
(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸۸)

خداوند کریم می‌فرماید: «قرآن کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری...» (سوره ابراهیم، آیه ۱) خالق عالمیان با نازل کردن قرآن این برنامه کامل انسان ساز؛ کتاب هدایت، کتاب نور، کتاب سعادت، کتاب تذکر، کتاب شفا، کتاب بشارت و انذار می‌خواهد انسان را از ظلمات به نور هدایت کند و آن نور چیزی جز حقانیت و کرامت الهی نیست. «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (سوره نور، آیه ۳۵) خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.

غیراز در دوست درجهان کی یابی جز او به زمین و آسمان کی یابی
او نور زمین و آسمان‌ها باشد قرآن گوید، چنان نشان کی یابی
(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۴۱)

نتیجه گیری

بر اساس آنچه بیان شد می توان نتیجه گرفت که انسان در اندیشه اسلامی و آثار و اشعار عرفانی امام خمینی (ره) به جهت برخورداری از عقل و فطرت از برتری ذاتی نسبت به دیگر موجودات برخوردار است و حفظ و حراست از آن یکی از مهم ترین دغدغه های جوامع بشری محسوب می گردد. در هیچ دین و مکتبی به اندازه اسلام، بر حقوق بشر و کرامت انسانی تأکید نشده است. کرامت ذاتی یا حرمت در آثار امام با دستاوردهای حقوق بشر یکسان است اما کرامتی که ایشان بر آن تأکید بیشتری دارند، کرامت اکتسابی می باشد، که تنظیم کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر برای تأمین منافع کشورهای سکولار از قید این که این حقوق از جانب خداوند به انسان واگذار شده است، پرهیز کردند. حضرت امام (ره) معتقدند خداوند تمامی راه های اکتساب کمالات و کرامات را حاضر نموده است و انسان ها برای کسب کمالات انسانی و جانشینی خداوند؛ باید از این طرق و امکانات استفاده کنند و خود را الهی گردانند و آن هم با تقوای الهی میسر می شود. ایشان عقیده دارند هر چه تقوی بیشتر باشد کرامت بیشتر خواهد بود، هیچ استثنایی وجود ندارد، پیامبر اکرم (ص) برای این که اتقای ناس بود، اکرم ناس بود، علی (ع) برای این که بعد از رسول خدا اتقی الناس بود، اکرم الناس بود، نسب و سبب در کار نیست. اسلام برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده، تقوا و تعهد به اسلام تنها ویژگی و برتری برای کرامت انسانی است. راهبرد اخلاقی امام خمینی (ره) در حصول کرامت انسانی از میان برداشتن موانعی چون سرکشی و دنیا طلبی است. در منظر آن حضرت بشر با استفاده از کرامت اکتسابی می تواند استعدادهای نهفته وجودی خود را با علم، ایمان، عمل صالح و تقوا طوری تربیت نماید که او را به سمت و سوی قرب الهی رهنمون سازند تا به کمالات، کرامات و سعادت اعلا ی انسانی دست یابد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - قرآن مجید.
- ۲ - امام علی (ع)، (۱۳۸۵)، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، قم، انتشارات قدس، چاپ ششم.
- ۳ - امام خمینی، روح الله، (۱۳۶۸)، آداب نماز، مصحح: فهری زنجانی، سیداحمد، تهران، نشر پیام آزادی، چاپ اول.
- ۴ - _____، (۱۳۷۸)، دیوان امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۵ - _____، (۱۳۸۵)، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (ره)، دوره ۲۲ جلدی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.
- ۶ - بادرین، مسعود، (۱۳۸۲)، حقوق بشر و حقوق اسلام - اسطوره ناهمخوانی، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر - مبانی نظری حقوق بشر، دانشگاه مفید قم.
- ۷ - جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۰)، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
- ۸ - حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، (۱۳۷۷)، دیوان حافظ، مصحح: غنی، قاسم - قزوینی، محمد، تهران، ناشر احتشام، چاپ اول.
- ۹ - حقیقت پور، حسین، (۱۳۹۲)، «کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی»، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- ۱۰ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۴)، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق: عدنان داوودی، قم، منشورات ذوالقربی
- ۱۱ - رضوانی پور، مهدی، (۱۳۸۶)، کرامت از دیدگاه قرآن، همایش بین المللی امام (ره) و قلمرو دین - مجله کرامت انسان، شماره ۲.

- ۱۲- شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، *خصال شیخ صدوق*، ترجمه مدرّس گیلانی، تهران، انتشارات جاویدان.
- ۱۳- عفتی، قدرت الله، (۱۳۸۵)، *کرامت انسان در قرآن با نگاهی به شعر امام خمینی (ره)*، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۳۰۲.
- ۱۴- علامه طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، مترجم: موسوی، سید محمدباقر، جلد ۱۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- ۱۵- عمید زنجانی، عباسعلی، توکلی، محمد مهدی، (۱۳۸۶)، *حقوق بشر و کرامت ذاتی انسان در اسلام*، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران، انتشارات صدرا.
- ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۳)، *تفسیر نمونه*، جلد ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و یکم.
- ۱۸- موحد، محمدعلی، (۱۳۸۲)، *درخانه اگر کس است (اعلامیه جهانی حقوق بشر)*، تهران، نشر کارخانه.
- ۱۹- نظری، عبداللطیف، (۱۳۸۴)، *کرامت انسانی در قرآن و روایات*، مجله گلبرگ، شماره ۶۹.
- ۲۰- نوبهار، رحیم، (۱۳۸۲)، *دین و کرامت انسانی*، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر، دانشگاه مفید قم

21- Lass well ,M(1980) Human Rights and World Public Order. New Haven: Yale University Press

22-victor conde,H (2002) A Hand book of International Human Rights Terminology, second Edition, Newyork